

چگونه می توان تولد تازه یافت؟

نویسنده : چاک اسمیت

چگونه می توان تولد تازه یافت؟

نویسنده : چاک اسمیت

Philadelphia Persian Church

3000 W. MacArthur, Suite #150

Santa Ana, CA 92704

Tel/Fax 1-949-955-1777

E-Mail: godlovesyou@ppcoc.com

Website: ppcoc.com

2002 The word for today : ناشر

P. O. Box 8000

Costa Mesa, CA 92628

Web Site: www.twft.com

ISBN 1-931713-30-8

چاپ امریکا

چگونه می توان تولد تازه یافت؟

نویسنده : چاک اسمیت

مخفیانه در تاریکی شب ، مردی محتاطانه به نزد عیسی ناصری آمد . او یکی از روحانیون قوم یهود بود که منتظر شده بود تا شب هنگام سوال خود را از عیسی بپرسد ، چون نمی خواست کسی از سوال او با خبر شود. نیکودیموس مدتی بود که معجزات متعدد عیسی را از دور زیر نظر داشت. او می دانست که هیچکس قادر به انجام این معجزات نیست مگر آنکه خدا با او باشد. و حالا عیسی تنها بود. هم اکنون وقت آن بود که سوالش را از او بپرسد.

" استاد" ، نیکودیموس او را صدا می کند. " ما می دانیم که تو معلمی از طرف خدا هستی، زیرا هیچکس نمی تواند معجزاتی را که تو می نمای انجام دهد مگر آنکه خدا با وی باشد."

عیسی ، بی درنگ به اصل مطلب می پردازد. او می دانست نیکودیموس چه می خواهد. "اگر کسی تولد تازه پیدا نکند، عیسی جواب می دهد. "هرگز نمی تواند ملکوت خدا را ببیند."

در این هنگام نیکودیموس می پرسد ، " منظورتان از تولد تازه چیست ؟"

این سوالی است که انسان ها برای قرون متوالی در ارتباط با جواب عیسی در یوحنا ۳: ۳ کرده اند. منظور از تولد تازه چیست؟

خدا در آغاز انسان را به صورت تثلیث یعنی روح ، باشد و ضمیر و جسم آفرید. ضمیر تحت کنترل روح می زمانیکه روح در حاکمیت است، انسان در مشارکت و ارتباط با خدا زندگی می کند. حیات نباتات ، از طرف دیگر، یک بعدی است.

گیاهان با داشتن ماده، مواد غذایی را از خاک و هوا می گیرند. در موارد استثنایی مثل گیاه Venus Flytrap ،

از حشرات تغذیه می کنند. ریشه گیاه را در خاک ثابت نگاه می دارد ، در حالی که تمامی تولید مثل از طریق کد ژنتیکی که در دانه اش است بعمل می آید. حیوانات دارای حیات دو بعدی، یعنی جسم و ضمیر هستند. حیوانات با تغذیه از گیاهان و یا حیوانات دیگر دارای قابلیت جابجایی گسترده ای هستند. همانند گیاهان، آنها هم از طریق کد ژنتیکی که در خود دارند تولید مثل می کنند و عمل لقاح اغلب توسط حیوان نر انجام می شود. اما، به دلیل داشتن ضمیر آگاهی و قابلیت جابجایی، دنیای حیوانات مافوق دنیای نباتات است.

حالا، زمانیکه خدا انسان را خلق کرد، انسان را با یک حیات سه بعدی آفرید : روح ، جسم و ضمیر. بعد اضافی یعنی "روح" انسان را به مراتب مافوق دنیای حیوانات قرار می دهد، زیرا انسان را در ارتباط با خدا قرار میدهد.

عیسی فرمود که خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و راستی بپرستد (یوحنا ۴ : ۲۴). بنابراین هنگامیکه خدا انسان را آفرید (با روح , ضمیر و جسم), او را برای مشارکت خلق کرد.

مآن آیه زیبا را در پیدایش ۳ : ۸ داریم, " و آواز خداوند خدا را شنیدند, که در هنگام عصر در باغ می خرامید: انسان خدا را ملاقات می کرد و در مشارکت با خدا بود زیرا که دارای بعد روح بود. زمانیکه روح انسان مرده است, وجود او به سطح حیات حیوانی تقلیل می باید. افکار او نهایتاً متوجه امیال و خواسته های جسمانی است.

روح انسان بعلت خطایا و گناهانش مرده است.

در آغاز, زمانیکه خدا انسان را آفرید او در یک محیط پاک وایده آل زندگی می کرد. انسان دارای بدنی قوی و فاقد نقص ژنتیکی بود, و از آن جهت که روح او زنده بود, او در مشارکت و همنشینی با خدا بود. اما مشکلی وجود داشت.

آیا انسان در مشارکت با خدا بود چونکه او را دوست می داشت؟

یا او در مشارکت بود چونکه انتخاب دیگری نداشت؟

به منظور شناخت واقعی قلب انسان, خدا درخت فوق العاده زیبایی در وسط باغ عدن قرار داد, درختی با میوه منع شده, میوه ای که مرگ روحانی به همراه داشت. حال انسان می بایست تصمیمی بگیرد. آیا به مشارکت خود با خدا ادامه دهد یا به قیمت جدایی, امیال جسمانی خود را ارضاء نماید؟

متأسفانه, آدم تصمیم می گیرد که بدنبال نفس خود برود و از آن میوه منع شده, خورد. و با این عمل, روحش مرد. در آن لحظه, انسان یک موجود دو بعدی شد: جسم و ضمیر.

عیسی به نيقوديموس فرمود که او می بایستی دوباره متولد شود (یوحنا ۳:۷).

ما احتیاج به تولد روحانی داریم. ما زمانی از جسم متولد شدیم و جدا از خدا, اما لازم است که تولدی تازه از روح داشته باشیم اگر میخواهیم که برکات و شادی را که از زندگی در مشارکت با خداست تجربه کنیم. آدم, با نابود کردن روح, پی برد که بهیچوجه نمیتواند با خوب بودن, مذهبی بودن, و یا با رعایت احکام, دوباره روح مرده را احیا کند.

ما سعی می کنیم که خوب باشیم, اما هرگز نمی توانیم بقدر کافی خوب باشیم.

عیسی صحبتش را با نيقوديموس ادامه می دهد, "اگر تولد تازه پیدا نکنی, هرگز نمی توانی ملکوت خدا را ببینی" یوحنا (۳: ۳).

انسان جسمانی نمی تواند این بعد را درک کند. پولس به کلیسای قرنتس می نویسد, "زیرا کیست از مردمان که امور انسان را بدانند جز روح انسان که در وی میباشد. همچنین نیز امور خدا را هیچ کس نمی داند جز روح خدا. لیکن ما روح جهان را نیافته ایم, بلکه آن روح که از خداست تا آنچه خدا به ما عطا فرموده بدانیم. که آنها را نیز بیان می کنیم, نه به سخنان

آموخته شده از حکمت انسان، بلکه آنچه روح القدس می آموزد، مقایسه امور روحانی با روحانی. اما انسان نفسانی امور روح خدا را نمی پذیرد، زیرا که نزد او جهالت است، و آنها را نمیتواند فهمید زیرا حکم آنها از روح می شود" ۱ قرنتیان (۲:۱۱ - ۱۴).

همانطور که پولس گفت، انسان جسمانی نمی تواند امور روحانی را درک کند. بنظر او این امور حماقت می آیند. این عدم درک باعث می شود که در گفتگو با آنها مشکل داشته باشیم زیرا شکاف عمیقی بین انسان روحانی و انسان جسمانی وجود دارد.

آیا هرگز توجه کرده اید توضیح دادن به یک خردسال چقدر مشکل است؟ با خود می اندیشید "چرا متوجه نمی شود؟ این خیلی واضح است! کاملا روشن و منطقی است. پس چرا نمی تواند ببیند؟"

در امور روحانی، انسان جسمانی همانند یک خردسال است.

کتاب مقدس بما خبری می دهد که انسان جسمانی نمی تواند امور روحانی را درک کند زیرا فاقد تمیز روحانی می باشد. به این جهت بود که عیسی فرمود، "برای دیدن ملکوت خدا، می بایستی تولد تازه پیدا کنی." دیدن ملکوت خدا مستلزم داشتن تولد تازه است. بنابراین، می بایستی تولد تازه داشت.

بنابراین، سوال نیکودیموس بوضوح این بود. "چطور من می توانم تولد تازه داشته باشم؟ به چه صورتی انسان تولد تازه پیدا می کند؟ به چه صورتی این ممکن است؟"

سپس عیسی با ذکر مثالی که نیکودیموس متوجه شود توضیح می دهد. او داستانی از عهد قدیم، کتاب اعداد، نقل قول می کند. زمانی که قوم اسرائیل در بیابان بودند، آنها علیه خدا و موسی لب به شکایت گشودند. آنها گفتند "انها ما را از مصر بیرون آوردند تا در بیابان هلاک کنند. نان برای خوردن نداریم و همه از این "من" بی مزه خسته شده ایم." (اعداد ۲۱:۵)

چون آنها شکایت و اعتراض نسبت به خدا کردند، خدا اجازه داد که مار های سمی کشنده به اردوگاه آنها وارد شوند. بزودی صدها نفر بعلت مارگزیدگی در شرف مرگ قرار گرفتند. اسرائیلی ها بسرعت نزد موسی آمده عذر خواهی کرده و از او تقاضا کردند برای ایشان دعا کند. موسی، در عوض، از خدا درخواست می کند که آنها را شفا بدهد.

اما، بجای شفا دادن آنها، خدا وسیله ای را برای آنها تدارک دید و شفایشان را به آنها واگزارد.

در کتاب اعداد ۲۱:۸ اینطور می خوانیم، "خداوند به موسی فرمود: یک مار مفرغی بساز و آن را بر سر یک تیر بیاویز. هر که مار او را گزیده باشد اگر به آن نگاه کند زنده خواهد ماند."

بنابراین، موسی ماری از مفرغ ساخت و آن را بر تیری در وسط اردوگاه بیاویخت. کسانی که توسط این مار های سمی گزیده می شدند، می بایستی به مار مفرغی که بر تیر آویخته بود نگاه می کردند و فوراً شفا می یافتند.

اجازه بدهید توضیحی در مورد این سمبل ها بدهم. در آیات مقدس، مفرغ سمبل داوری خداست. اسرائیلی ها مذبح مفرغی داشتند که قربانی ها را بر آن قراری می دادند (۲ پادشاهان ۱۶: ۱۵). همچنین در آیات مقدس مار سمبل گناه است (در اشاره به مار در باغ عدن، کتاب پیدایش ۳: ۱۳). هر چند که در این مورد بخصوص، آویختن مار مفرغی بر تیر، اشاره ای است به صلیب، جایی که عیسی مصلوب می شود. عیسی فرمود، "همچنین پسرانسان نیز باید بلند کرده شود" (یوحنا ۳: ۱۴). و همینطور در یوحنا ۱۲: ۳۲ فرمود، "من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را بسوی خود خواهم کشید." عیسی در مورد مرگش بر صلیب پیشگویی کرد.

بنابراین، مار مفرغی بر تیر، سمبل گناهان ماست که توسط خدا بر صلیب داوری شده است.

همانطور که موسی در بیابان مار مفرغی را بلند کرد، همانطور هم پسر انسان می بایستی بلند کرده شود. چطور انسان می تواند تولدی تازه داشته باشد؟ انسان می تواند توسط راهی که خدا با مرگ پسرش فراهم آورده تولدی تازه داشته باشد. عیسی داوری گناهان ما را بر خود گرفت و بجای ما مرد. زمانیکه ما متوجه این امر شویم، و با ایمان به عیسای مصلوب نگاه کنیم، در می یابیم که او برای گناهان ما بود که مرد، و داوری خدا را که برای ما بود متحمل شد.

تصور کنید که شما ۳۸۰۰ سال پیش در این اردوی اسرائیلیها با مارهای سمی بودید. روزی در حین گفتگو با دوستت در داخل چادر، ماری به داخل می خزید و پای او را می گزید! پای او متورم می شد و چندی بعد به حالت تشنج می افتاد. پس شما بی درنگ دوستت را به بیرون چادر می کشیدی و بلند می گفتی "به مار بالای تیر نگاه کن، همان که موسی در وسط اروگاه قرار داده!"

او جواب می دهد، "چطور می تواند کمک کند؟"

شما فریاد می زدید، "بحث نکن، فقط نگاه کن!"

"نمی توانم درک کنم. چطور نگاه کردن به یک مار بر سر یک تیر می تواند به من کمک کند؟ درحال مرگم."

شما مضطربانه سعی می کنید توضیح بدهید "نمی دانم چطور عمل می کند! فقط می دانم که صد ها نفر مثل تو که در حال مرگ بودند بمحض نگاه کردن به مار روی تیر کاملاً شفا یافتند. نگاه کن!"

دوستت امتناع می کند، "این خیلی احمقانه است! من بهیچوجه نگاه نمی کنم."

در نتیجه دوستت فوت می کند. باورش برایتان مشکل است. شما کار سختی از او نخواستید: فقط به او گفتید که نگاه کن. او برای نجاتش لازم نبود که چگونگی و طرز عمل آن را درک کند.

همینطور، عیسی مسیح برای گناهان ما مرد، و لازم نیست چگونگی تولد روح را درک کنیم. لازم نیست بدانیم چطور این تغییر اساسی را پیدا می کنیم. تنها لازم است بدانیم این امکان پذیر است. همانند اسرائیلیها در بیابان، احتیاجی نیست برای

نتیجه عالی آن طرز عمل آن را بدانیم. ما می توانیم زندگی هوشیار و بیداری در مشارکت با خدا داشته باشیم. می توانیم پی ببریم که داشتن حیات جاوید چقدر عالی است و از بند گناه آزاد باشیم.

عیسی توضیح می دهد که چگونه می توان تولدی تازه یافت و در این ارتباط می فرماید، "همچنان که موسی مار را در بیابان بلند نمود، همچنین پسر انسان نیز باید بلند کرده شود، تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد." (یوحنا ۳: ۱۴ - ۱۵).

انسان بدون تولد روحانی ناقص است. انسان جسمانی بنحوی در ضمیرش این حقیقت را می داند که کمبودی در زندگیش دارد، و دائما سعی می کند که این خلاء را پر نماید. مشکل اینجاست که انسان سعی می کند این کمبود را از طریق تجربه های جسمانی و احساسی بر طرف کند. اما نهایتا، با اینکه انسان با ولع تجربه های جسمانی و احساسی را دنبال می کند، هنوز این حس را دارد که چیزی کم دارد. زیرا هیچ چیز نمی تواند فقدان روح را پر کند، مگر تولدی تازه.

انسان خلق شده تا خدا را پرستش کند. اگر خدای حقیقی و زنده را پرستش نکنی، مسلما جانشینی را پیدا می کنی. ممکن است این جانشین اتوموبیل یا خانه ات و یا قایق باشد. این لیست می تواند بی انتها باشد. پرستش جزئی از وجود ما انسان ها است.

ممکن است تصور کنید که این خیلی ساده است. شاید درک اینکه چطور با ایمان آوردن به عیسی مسیح می توان تولدی تازه یافت برایتان مشکل باشد. به همان سادگی که بنظر می آید، خدا این راه را انتخاب کرد تا حتی یک کودک نیز بتواند تولدی تازه پیدا کند.

عیسی در توضیح خود به نيقوديموس ادامه می دهد که خدا بقدری جهان را محبت نمود، جهانی که بواسطه گناه نابود شده و در راه هلاکت است، تا هر که به او (عیسی) ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه زندگی جاوید بیابد (یوحنا ۳: ۱۶)

بخاطر می آورم زمانیکه قوم اسرائیل در بیابان بسر می بردند، خدا را برای تمام مشکلاتشان سرزنش می کردند، برای بدبختی خود به خدا شکایت می نمودند، و اما در حقیقت، ایراد از خودشان بود. و این در مورد خیلی از انسان ها صادق است. ما به خدا پشت می کنیم! بدنبال هوس ها می رویم. تلخی این زندگی هوس آلود را تجربه می کنیم، پوچی های آن، ناامیدی های آن، و نتایج آن را. زندگی هوس آلود یک زندگی مرگبار است. همانند نیش مار می تواند انسان را نابود کند.

اما تجربه دشوار و طولانی قوم اسرائیل در بیابان هدف و نقشه اولیه خدا برای آنها نبود. خدا می خواست آنها را به سرزمین وعده بیاورد، جایی که آنها می توانستند از سرزمین حاصلخیز و پر برکت آن بهره ببرند! برکتی که خدا به پدر این قوم، ابراهیم وعده داده بود. اما این قوم شهادت و گزارش کالیب و یوشع را رد کردند. آنها گفتند، "ما نمیتوانیم این سرزمین را تصاحب کنیم. دشمن خیلی قوی است." در نتیجه آنها به بیابان باز گشتند. و بعد، آنها سعی کردند که خدا را مسبب سختی ها و عواقب زندگیشان در بیابان بدانند.

اگر شما امروز در بیابان زندگی هستید، بدانید که این خواست خدا نیست که شما در آنجا زندگی کنید. خدا نمی خواهد شما زندگی جسمانی داشته باشید. خدا مایل است که شما زندگی لبریز روحانی را دارا باشید، واز برکات و امتیازاتی که از مشارکت با او حاصل می شود لذت ببرید.

اسرائیلیها هدف خدا و چرا او مار های سمی را فرستاد درک نکردند. خدا می خواست آنها را به نزد خودش باز گرداند. توجه کنید، خدا اغلب اجازه می دهد که سختی و مشکلات سراغ ما بیایند زمانیکه ما وارد منطقه خطرناکی می شویم. خدا می داند تجارب دردناک ممکن است باعث بیداری ما شود، و در نتیجه به نزد او بازگشت کنیم. این تنبیه و یا داوری خدا نیست. به عبارت دیگر خدا می گوید، " نزد من باز گرد. تو بدون من نمی توانی زندگی کنی. نابود می شوی. این نمونه ای است از نابودی وقتی سعی بر این داری بدون من زندگی کنی."

هدف از این طرح آوردن انسان به سوی خداست، تا انسان تولدی روحانی بیابد و زندگی شگفت انگیز مشارکت با خدا را داشته باشد.

بدون کمک خدا، اسرائیلیها در بیابان از بین می رفتند. حتی نمی توانستند دو هفته دوام بیاورند، چه رسد به چهل سال. به همین صورت، خدا شما را که ممکن است در حال حاضر در بیابان زندگی هستید مساعدت می کند. بدون حمایت خدا، شما نمی توانید حتی پنج ثانیه دوام بیاورید.

شما هستی خود را مدیون خدا هستید. خدا از شما نگهداری می کند تا به محبت عظیم و مراقبت او پی ببرید، تا از روح متولد شوید، و به ابعاد کاملی که خدا برای هر یک از ما در نظر گرفته وارد شویم.

در حال حاضر بسیاری از شما راه خطرناکی را پیش گرفته اید که منجر به نابودی است. لازم است که به نزد خدا بازگشت نمایید قبل از اینکه نابود شوید. وعده بی نظیر خدا این است که اگر شما به پسر او ایمان آورید، هلاک نخواهید شد بلکه حیات جاوید خواهید یافت. حیات جاوید فقط کمیت نیست، بلکه کیفیت نیز می باشد. توجه کنید، کمیت بدن کیفیت همانند جهنم است. اما زندگی در روح، شامل کیفیتی از زندگانی است که بمراتب بالا تر از سطح وجود زندگانی حیوانی (یا جسمانی) است، بمراتب مافوق تصورمان.

و این زندگی است که خدا شما را به آن صدا کرده، زندگی در روح، زندگی در مشارکت با خدا. کتاب مقدس می نویسد که افکار جسم نابود می کند، اما افکار روح آرامش و شادی بهمراه دارد. این است خواست خدا برای شما! حیات جاوید، آرامش، و شادی! شادی که در مشارکت با خدا حاصل میشود، با دانستن اینکه خدا کنار شماست، راهنمای شماست، و او در کنترل همه چیز است.

یک شخص تولد تازه پیدا می کند با ایمان آوردن به محبتی که خدا به جهت بخشش گناهان فراهم آورده، گناهایی که عیسی به خود گرفت. بنابراین، زمانیکه شما عیسی را بعنوان نجات دهنده خود دریافت کنید و ایمان بیاورید که او برای گناهان شما مرد، تبدیل و تغیر شگفت انگیزی در داخل شما شکل می گیرد که با تولد روحانی شما مربوط است. ناگهان، در یک زندگی پر معنا، شما خودتان را در بعد جدیدی از روح می یابید که هرگز تصور آن را نکرده و از آن بی خبر بودید. این

تجربه با شکوه و عالی بسیار فراتر از همه تجربه های گذشته شما خواهد بود، بطوریکه توضیح آن برایتان دشوار خواهد بود. پولس می نویسد چیز هایی را که در روح تجربه کرده بود بقدری عالی بود که حتی توضیح آن را با لغات جرم می دانست (۲قرننیا۴: ۱۲). کلماتی وجود ندارد که بتوان آنرا توضیح داد.

عیسی فرمود، "اگر می خواهید ملکوت خدا را ببینی، و مایلی آنرا درک کنی، می بایستی تولدی تازه پیدا کنی."

برای ورود به ملکوت خدا، شما می بایستی تولد تازه پیدا کنی. تنها به عیسی مسیح نگاه کن، کسی که برای گناهانت روی صلیب مرد، به او و به محبتش نسبت به تو ایمان بیاور، و آن تبدیل انجام خواهد شد. بنابراین سوال این است، "آیا توسط روح خداتولد تازه پیدا کرده ای؟" و اگر نه، طرز عمل خیلی ساده است.

امروز شما در یکی از این دو گروه هستید! و این بستگی دارد به رابطه شما با عیسی مسیح. شما می توانید باور کنید، به او که برای شما روی صلیب مرد، و یا به همین صورت باقی بمانید. خیلی عجیب است – برای نابودی احتیاج به هیچ کاری نیست. فقط به همین منوال ادامه دهید و قطعاً هلاک خواهید شد.

اما، اگر به صلیب نگاه کنید و به کسی که برای گناهانتان مرد ایمان آورید، آنگاه هدیه رایگان خدا مال شماست...

هدیه حیات جاوید.

دعای توبه

اگر مایلید رابطه شخصی با خدا داشته باشید و مطمئن باشید که گناهانتان بخشیده شده است, چنین دعا کنید.....

پدر, بحضرت می آیم, گناهانم را اعتراف می کنم و تقاضای بخشش می نمایم. خداوندا, از تو متشکرم, چون قول داده ای که اگر گناهانم را اعتراف کنم, تو وفا دارانه مرا می بخشی و از تمام خطاهایم پاکم می کنی. می خواهم از گناهانم توبه کنم, و چنان زندگی کنم که تو را خشنود سازم. همچنین خداوندا, کمک تو را احتیاج دارم. خواهش می کنم که توسط روح القدس به من قدرت ببخشی تا پاک زندگی کنم.

از تو متشکرم که عیسی مسیح روی صلیب مرد بهای گناهانم را پرداخت, سپس از مردگان زنده شد. او را به عنوان نجات دهنده, خداوند, و دوستم قبول می کنم.

همچنین تشکر می کنم, چون قول داده ای هر کسی که به نزد تو بیاید, هرگز رد نمی کنی. متشکرم که در مسیح به من زندگی جدید دادی. خودم را به تو تسلیم می کنم. من را آنطور که می خواهی بساز.

در نام عسی, آمین.

قدم بعدی چیست؟

اگر تصمیم گرفته اید عیسی مسیح را به عنوان نجات دهنده خود قبول کنید, شما اکنون تولد تازه دارید. چند نکته ذیل به شما کمک می کند تا در مسیحیت رشد بکنید.....

۱ – دعا کردن....دعا درست مثل خط تلفنی است که مستقیم به خدا وصل می شود. بسیار مهم است که زمانی را هر روزه اختصاص بدهید به صحبت با خدا, و هر چه بیشتر وقت به دعا بدهید بمراتب بهتر است. فیلیپیان ۴:۶

۲ - مطالعه کتاب مقدس.....کتاب مقدس همانند یک نامه عاشقانه از طرف خدا است. هر چه بیشتر آنرا مطالعه کنید, بیشتر عاشق خدا می شوید ۱ پطرس ۲:۲

۳ – مشارکت... لازم است که شما دوستان ایماندارای داشته باشید که شما را تشویق کنند. به این دلیل بسیار مهم است که کلیسای پیدای پیدا کنید که معتقد به کتاب مقدس هستند و بتوانید در آنجا مسیحیان دیگر را ملاقات کنید. عبرانیان ۱۰:۲۴ – ۲۵.

شهادت به دیگران..... ایمان خود را به مسیح با دیگران سهیم شوید. دعا کنید تا خداوند شما را هدایت کند که چگونه و چه زمانی شهادت دهید. مرقس ۱۵:۱۶

در ضمن تار نما های ذیل می توانند به شما کمک کنند:

کلیسای ایرانی www.ppcoc.com

www.calvarychapelcostamesa.com/

www.twft.com

www.calvarychapel.com

خدا شما را برکت بدهد و ما دعا می کنیم که شما هر روز به خدا نزدیکتر شوید!

آقای چاک اسمیت, شبان Calvary Chapel در شهر Costa Mesa کالیفرنیا, بیش از پنجاه کتاب مقدس را تدریس

کرده است. تعالیم او از کتاب مقدس همه روزه از رادیوی سراسری تحت عنوان

The Word For Today

The Word for Today
P.O.Box 8000, Costa Mesa, CA.92628, U.S.A
(800)272-WORD(9673)
WWW.twft.com

تولد تازه

عبارتی است که همه ما شنیده ایم

می دانید؟ اما آیا حقیقتاً مفهوم آن را

و چرا عیسی فرمود لازم است که تولد تازه پیدا کنی اگر می خواهی ملکوت خدا را ببینی؟

این کتاب اختلاف بین تولد جسمانی و تولد روحانی را شرح می دهد.

و اصلاً چرا خدا انسان را آفرید.

زیرا نهایتاً , صحبت از مذهب نیست. تمامی صحبت در مورد رابطه است.